

مظلومیت شیعه در جهان معاصر



در روزهای اخیر حادثه ای در جمهوری آذربایجان به وقوع پیوست که نشانی دیگر از مظلومیت شیعه در جهان معاصر است، حادثه ای بود که باردیگر چهره کریه صهیونیسم جهانی و وابستگان آذری آن را نمایان ساخت و سیاست اسلام هراسی و شیعه ستیزی این مستأصلان دوران را آشکار کرد

آران نیوز: در روزهای اخیر حادثه ای در جمهوری آذربایجان به وقوع پیوست که دل هر آزادمردی را به رنجش درآورد؛ حادثه ای که بنا به فرمایش حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه جریان ربهوده شدن خلخال زن یهودی-: فلو أتا منراً مسلماً مات من بعد هذا أسفا ما كان به ملوما بل كان به عندي جدیرا؛ اگر مسلمانی از غم آن بمیرد، بر او ملامتی نیست.

این حادثه جانگداز که نشانی دیگر از مظلومیت شیعه در جهان معاصر است، حادثه ای بود که باردیگر چهره کریه صهیونیسم جهانی و وابستگان آذری آن را نمایان ساخت و سیاست اسلام هراسی و شیعه ستیزی این مستأصلان دوران را آشکار کرد و اگرچه در این جریان پنج تن از مبارزان و مجاهدان آذری به ندای «هل من ناصرینصرنی» حسین بن علی (علیه السلام) لبیک گفته و در آستانه ی اربعین حسینی به کاروان جاودان تاریخ پیوستند ولی این حرکت مبارک هم چنان به سر مبارک خود ادامه خواهد داد تا طلوعه ساز ظهور منجی عالم بشریت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گردد.

در این فرصت سخن از حادثه ای است که روز پنجشنبه پنجم آذرماه مقارن با نماز ظهر در روستای تاریخی و مذهبی نارداران رخ داد؛ در این روز گروهی از مبارزان و مجاهدان آذری که هدفی جز تعظیم شعائر اسلامی نداشتند، در منزل یکی از مؤمنان این روستا برای استماع سخنان روحانی مشهور آذربایجان حاجی طالع باقراف، رئیس سازمان وحدت مسلمانان جمهوری آذربایجان، دعوت شده بودند، حاجی طالع با چندتن از نزدیکان خود در این منزل حضور یافته و در جمع جمعیتی در حدود ۵۰ نفر به ایراد سخنرانی می پرداخت که ناگهان نیروهای نظامی که با ماشین های مخصوص جمع آوری زباله به روستا وارد شده بودند به آن منزل هجوم آوردند و بدون هدف و دلیلی و بی اخطار و تذکر قبلی به حاضران در منزل، به عملیات مسلحانه پرداختند، در آن خلال گروه زیادی از نیروهای نظامی نیز وارد روستا شده و علاوه بر ایجاد رعب و وحشت، راه های ورود و خروجی روستا را مسدود کردند، در این حادثه پنج تن از برادران مبارز آذری به نام اکبر بابا اف، سروان صفر اف، رافائل بنیاد اف، افراهیم بنیاداف و عباس حسین به شهادت رسیدند، گروهی نزدیک به ۱۵ نفر دستگیر و نزدیک به ده نفر زخمی شدند که نیروهای پلیس همه این افراد و پیکر شهیدان را بالفور از روستا خارج کرد.

نکته جالب در این جریان این بود که دو تن از نیروهای نظامی در این حادثه، به دست همکاران نالایق خود کشته شدند که دولت آذری این جریان را به اسلامگرایان نسبت داد و آن ها را متهم به دفاع مسلحانه کرد، در حالی که افراد دستگیر شده افرادی بودند که عاری از هرگونه سلاح گرم و سرد بودند. پس از این جریان تشییع جنازه ای باشکوه برای این دو پلیس مقتول گرفته شد، رئیس جمهور آذربایجان با صدور پیامی به تکریم ایشان پرداخت و برخی روحانیون درباری آذربایجان این دو تن را شهید نامیدند.

پس از این حادثه جانگداز دولت آذربایجان دستور قطع آب، برق و گاز روستای نارداران را داد که باتوجه به برودت هوا و وجود کودکان فراوان در این روستا اقدام بی رحمانه ای بود که تاکنون ادامه دارد و در کنار آن خطوط ارتباطی مختل شده است، از طرف دیگر پلیس ورود و خروج به نارداران را محدود کرده و از ورود ارزاق عمومی همانند نان و... به این روستا ممانعت می کند.

شایان ذکر است وزارت کشور آذربایجان بلافاصله پس از این حادثه با صدور بیانیه ای سازمان وحدت مسلمانان جمهوری آذربایجان را به تلاش برای تشکیل گروه تروریستی جهت سرنگونی دولت باکو متهم ساخت؛ در این بیانیه آمده بود: «که مدارک و شواهد نشان می دهد، طالع باقراف، الزمان آقا اف، ذوالفقار میکائیل اف و ابوالفضل بنیاداف با تأسیس سازمان وحدت مسلمانان جمهوری آذربایجان در تلاشند تا ضمن پایه ریزی و تاسیس یک حکومت دینی مبتنی بر شریعت اسلام، ساختار دولت را متزلزل ساخته و نسبت به براندازی حکومت اقدام نمایند...»

همچنین در این بیانیه آمده بود که نیروهای پلیس پس از حمله مسلحانه گروه دستگیر شده به دفاع از خود پرداخته و به عملیات نظامی اقدام کرده است.

پس از این بیانیه رسانه های تصویری و مکتوب آذربایجان به تناوب به نشر این بیانیه، تروریست خواندن گروه دستگیر شده پرداختند و بدون هیچ سندی این گروه را وابسته به ایران معرفی کرده و به تبع آن موج جدیدی از ایران ستیزی را شروع کردند.

در ادامه حوادث ذکر شده، نیروهای پلیس به دستگیری دوستان حاجی طالع باقراف در شهرهای مختلف پرداختند؛ حاجی ذوالفقار میکائیل زاده؛ روحانی برجسته و حافظ قرآن و حاجی انلچین مناف اف در باکو، حجج الاسلام الهام آقاف و سیدالمان آقاف در لنکران از جمله این افراد بودند که دستگیر شده و به منطقه نامعلومی انتقال یافتند چنان که تاکنون از وضعیت آن ها خبری در دست نیست.

در بررسی دقیق این حادثه با چهار مؤلفه مواجه هستیم؛ ۱- حاجی طالع باقراف ۲- روستای نارداران ۳- دولت آذربایجان ۴- شیخ الاسلام پاشازاده که بدون درک ماهیت این مؤلفه ها نمی توان به تحلیل درست از این حادثه دست یافت، بنابراین به معرفی مختصر این چهار مؤلفه می پردازیم:

حاجی طالع باقراف

حاج طالع فرزند کامل باقراف متولد ۲۳ ژوئن ۱۹۸۴ میلادی در شهر باکو است که خانواده او از اهالی روستای لاهیج اسماعیلی بودند که در باکو سکونت گزیدند. حاج طالع پس از اتمام تحصیلات رسمی در مدرسه تحصیلات عمومی شماره ۱۵۹ نسیمی باکو وارد دانشگاه شده و به تحصیل در رشته «مدیریت اقتصادی» پرداخت، او پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه، براساس علاقه درونی راهی حوزه علمیه قم شد و از سال ۲۰۰۵ م تا سال ۲۰۱۰ م به تحصیل علوم آل محمد (علیهم السلام) پرداخت، او پس از پنج سال اقامت در شهر قم، راهی حوزه علمیه نجف اشرف شد و در این حوزه ی کهن شیعی به تحصیل علوم دینی پرداخت. حاجی طالع پس از یک سال اقامت در نجف اشرف، پس از استماع صدور ممنوعیت حجاب در مدارس دخترانه و شروع جدید مبارزه حکومت با شیعیان مظلوم این دیار، ادامه تحصیل را صلاح ندانسته و راهی دیار خود شد. او پس از ورود به باکو به شهرهای مختلف آذربایجان سفر کرده و به تبلیغ و نشر معارف اسلامی پرداخت تا اینکه جریان ممنوعیت حجاب علنی شد و مبارزه ی اسلامگرایان با حکومت رسمیت یافت که در خلال آن بزرگانی همچون مجاهدانم آور حاج محسن صمداف و سربازغیور اسلام؛ حاجی آبگل سلیمان اف به زندان های طولانی مدت محکوم شدند.

حاجی طالع باقراف نیز همانند سایر غیرتمندان آذری به این اقدام ضد دینی که در دۆمین کشور شیعی جهان رخ می داد، اعتراض کرد و به تبع آن در ۶ می سال ۲۰۱۱ در تجمعی که در دفاع از آزادی حجاب در مقابل وزارت آموزش و پرورش آذربایجان برگزار شده بود، بازداشت و به یک سال و شش ماه حبس محکوم گردید.

این روحانی برجسته در دوران حبس با صدور پیام هایی به افشگری سران آذری می پرداخت به عنوان مثال او در پیامی خطاب به مردم جمهوری آذربایجان نوشت: «سلام بر برادران و خواهران مسلمانی که طرفدار و دوستدار عدالت هستند! در طول تاریخ حق و باطل در مقابل هم صف آرایی کرده اند که همیشه باطل محکوم به شکست بود که مصداق آیه ی شریفه ی «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» در قرآن کریم می باشد. چند صباحی است که نوکران صهیونیست در سرزمین مادریمان در برابر ارزش های ملی و معنوی مردم به مبارزه برخاسته اند ولی نوکران صهیونیست به سبب باطل بودنشان دیر یا زود در برابر حق از بین خواهند رفت... ما نمی توانیم بر این ناعدالتی وظلم چشم پوشی کنیم چون که ما تربیت و رشد یافته ی مکتب امام حسین (علیه السلام) هستیم و شعار اساسی این مکتب عدم تمکین در برابر ظلم است... ما از هیچ نیرویی واهمه نداریم و دلگرمی ما خداوند بزرگ است»

حاج طالع باقراف در ۶ نوامبر ۲۰۱۲ م پس از یک سال و نیم حبس از زندان شماره ۱۶ باکو آزاد شد، او پس از آزادی طی مصاحبه با خبرنگاری مدیا فروم بیان داشت: «من در عرض ۱ سال و ۶ ماه

بهترین دوران زندگی خود را سپری نمودم. اگر قبل از حبس نفرت نسبت به ظالمین و ستمکاران ۱۰٪ بوده است، اکنون ۱۰۰٪ شده است. ما مبارزه و جنگ با ظالم را وظیفه خود می دانیم. ما همان انسان های قبلی هستیم با این تفاوت که عقایدمان محکم تر شده است. ما همه این حبس ها را محکوم می کنیم و آزادی همه محبوسین را خواستاریم... ما نه از مرگ می ترسیم و نه از این حبس ها. از این به بعد نیز حقوق خود را در چهارچوب قوانین مطالبه خواهیم نمود. ما تا آخرین نفس به حاکمیت اعلام خواهیم نمود که این ممنوعیت باید لغو گردد. این اقدامات حاکمیت برای مقابله با باورهای مردم، خیانت و ظلم به مسلمانان می باشد. حبس در راه خدا برای ما بزرگ ترین نعمت است و من خداوند را شاکرم که این نعمت را ارزانی ما نموده است. »

حاجی طالع پس از آزادی به امور رایج حوزوی همانند تدریس، تبلیغ و نشر معارف اسلامی و در کنار آن حفظ حقوق اسلامگرایان و شیعیان مظلوم آذربایجان مشغول بود تا اینکه دولت آذربایجان باردیگر درصد دستگیری او برآمد و در نتیجه در ۳۱ مارس سال ۲۰۱۳ مامورین اداره پلیس منطقه صابونچی به دستگیری او پرداخته و پسی از تشکیل دادگاه فرمایشی او را به اتهام مضحک نگهداری و فروش مواد مخدر به دو سال و چهار ماه زندان محکوم کردند. پس از این دستگیری جواد جواداف، وکیل مدافع او پس از دیدار با طالع باقراف گفت: حاج طالع باقراف پس از بازداشت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته است و آثار شکنجه هم چنان در بدن او وجود دارد... طالع باقراف در دیدار با من گفت که پس از بازداشت، دست های او را با زنجیر به پاهایش بسته و وی را مورد ضرب و شتم قرار داده اند و بر اثر فشاری که بر میج دست او وارد شده، گردش خون در دست او با مشکل مواجه شده و وی قادر به حرکت دادن دست راست خود نیست. شایان ذکر است حاجی طالع در محاکمه خود که در تاریخ ۱۱/۰۸/۹۲ برگزار شد، سخنرانی مقتدرانه ای ایراد کرد، او در این سخنرانی ابراز داشت: «خداوند نقاب این ها (حاکمان جمهوری آذربایجان) را در مقابل مؤمنین پاره کرد. آن ها برای مبارزه با دین خدا تلاش می کنند؛ به دینداران اتهام حمل مواد مخدر می زنند؛ می خواهند از دین استفاده ابزاری کنند؛ به اذن خدا هرگز به آنها اجازه این کار را نخواهیم داد و چهره واقعی شان را آشکار خواهیم کرد. امروز جوانان آذربایجانی بیدار شده اند و آن ها از این می ترسند. پرده ای که میان دینداران و غیردینداران کشیده اند در حال از بین رفتن است. امروز همه (مردم کشور) بدون توجه به دین و تعصبات شخصی باید در راه حق وارد مبارزه شوند.»

حاجی طالع باقراف پس از پشت سر گذاشتن محکومیت ۲ سال و چهار ماهه خود نیمه شب روز شنبه دهم مرداد ۱۳۹۴ از زندان قیوستان آزاد شد، در حالی که طبق مقررات و اعلام قبلی مسئولان زندان قیوستان جمهوری آذربایجان، قرار بود این روحانی مبارز ساعت ۹:۰۰ صبح روز جمعه به وقت باکو از زندان آزاد شود و شمار قابل توجهی از دینداران آذری برای استقبال از وی، خود را به نزدیکی زندان قیوستان رسانده بودند، مسوولان زندان به طور غیرمنتظره، این روحانی مبارز را نیمه شب از زندان آزاد کردند تا استقبالی که نشان از محبوبیت حاجی طالع بود برگزار نگردد.

پس از نشر خبر آزادی حاجی طالع باقراف، مؤمنان آذری از شهرهای مختلف به دیدار او می آمدند که این حرکت به میل سران آذری خوش نیامده و از آن ممانعت کردند و در دیداری که در یکی از تالارهای شهر باکو برگزار شده بود از حضور علاقمندان جلوگیری کرده و گروهی را که مصر به دیدار بودند را دستگیر کردند.

از جمله اقدامات مهم حاجی طالع باقراف دستور تشکیل سازمان اتحاد مسلمانان آذربایجان بود که او در ماه های آخر حبس خود به تشکیل آن تصمیم گرفت و در نتیجه روز سه شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۳ انلچین قاسم اف به عنوان جانشین دبیر کل این سازمان با برگزاری یک نشست خبری در باکو شروع فعالیت این سازمان را اعلام کرد، او در این نشست ابراز داشت: «این جنبش به رهبری حاج طالع باقراف تشکیل شده است و هدف از آن اتحاد تمام متدینین این کشور تحت یک پرچم اسلامی بدون توجه به مذهب آن ها است... این جنبش بر اساس اندیشه امت اسلامی تشکیل شده است و ریشه در تاریخ اسلامی کشور آذربایجان دارد... بسیاری از اندیشه های اجتماعی و اخلاقی ملت آذربایجان که از آن ها با عنوان ارزش های ملی یاد می شود، ریشه در ارزش ها و افکار اسلامی دارد و ما به عنوان جامعه ای اسلامی موظف به پاسداری از آن ها هستیم.»

حاجی طالع باقرزاده بعد از آزادی از زندان، فعالیت های این سازمان را گسترش داد و در سایه ی اقدامات ارزشمند خود توانست حرکت عظیم اسلامگرایی را که بنا به نبود رهبری دچار رکود شده بود را جانی دوباره بخشد و در سایه آن به ساماندهی و انسجام گروه های اسلامی بپردازد که از برکات آن اجتماعات عظیم محرم امسال بود که در شهرهای مختلف آذربایجان برگزار شد. بر اساس اقدامات ذکر شده، حاجی طالع بارها به اداره پلیس فراخوانده شده و مورد تهدید و حتی ضرب و شتم قرار گرفت. حاکمیت علاوه بر تهدید و ارباب حاجی طالع، جو سنگین رسانه ای نیز بر علیه سازمان وحدت مسلمانان آذربایجان راه انداخته و آن را دست پرورده ایران معرفی می کردند.

حملات پلیس و وزارت امنیت جمهوری آذربایجان به حجت الاسلام طالع باقرزاده پس از سفر حضرت آیت الله نوری همدانی (مد ظله العالی) به باکو - که در شهریور امسال انجام یافت - تشدید شد و دلیل آن این که حاجی طالع در دیدار با این مرجع عالیقدر، به نشانه احترام بر دست ایشان بوسه زده و خواستار وساطت ایشان برای آزادی رهبران حرکت اسلامی آذربایجان شده بود که شبکه های تلویزیونی باکو با پخش آن به تبلیغ منفی این حرکت پرداختند و آن را دلیل وابستگی حاجی طالع به ایران دانستند که حاجی طالع در پاسخ به این شایعات در مصاحبه با پرتال خبری «قفقاز اینفو» اظهار داشت: «به عنوان یک مسلمان دفاع از حق و اعتراض به ظلم، ظالم و بی عدالتی را وظیفه خود می دانیم... ما نه به نمایندگی یک دولت خارجی بلکه به یک مرجع تقلید برجسته جهان اسلام مراجعه کرده و یکی از مشکلات مسلمانان را منعکس کرده ایم. نفوذ مرجع تقلید در اسلام محدود به مرزهای جغرافیایی نیست...»

پس از این جریان اداره پلیس باسماال باکو حجت الاسلام طالع باقرزاده را احضار و درباره ادامه فعالیت هایش هشدار داده و تهدید به حبس مجدد کرد.

حاجی طالع که خود می دانست گروهی درصد دستگیری طولانی مدت او هستند پس از این جریان در صفحه مجازی خود نوشت: «به دلیل مواضع انتقاد آمیز وی از دولت و نظام سیاسی کشور، عده ای بر علیه وی در حال توطئه چینی بوده و در حال تدارک بازگرداندن وی به زندان می باشند.»

حاجی طالع پس از این جریان نیز چندین بار به اداره پلیس و وزارت امنیت احضار شد و مورد بازجویی قرار گرفت که آخرین مورد آن در حدود بیست روز پیش بود که پس از اظهار نظر ایشان در مورد هفته اعتراض به اقدامات ضد دینی دولت باکو، نفوذ داعش و وهابیت در آذربایجان و... صورت گرفت که در این بازجویی باقراف زمانی که درخواست فرصت برای ادای نماز کرد، مورد ضرب و شتم فیزیکی رئیس اداره پلیس قرار گرفت. شایان ذکر است حاجی طالع در مصاحبه با روزنامه «آزادلیق» در مورد وهابیتون آذربایجان گفته بود: «مسبب حضور طرفداران داعش در آذربایجان خود حاکمیت می باشد که درهای کشور را به روی وهابیت باز کرده و شرایط را برای گسترش فعالیت های ایشان هموار ساخته اند، در نتیجه مقابله با این گروه با مشکل مواجه شده است... آن ها مانند یک ویروس در حال انتشار هستند و برای دولت یک خطر به شمار می روند ولی دولت تنها ادعای مبارزه با آن ها را دارد ولی در پشت پرده ماجرا از ایشان حمایت می کند...»

سخنان حاجی طالع در مورد ارتباط سران دولت با داعش به مذاق سران آذری خوش نیامد و آن را تکذیب کردند در حالی که پس از دستگیری انلدارمحموداف وزیر سابق امنیت آذربایجان معلوم شد که او در ازای دریافت مبالغ هنگفت از داعش به ارسال نیروهای نظامی به سوریه و عراق می پرداخت. بر اساس آنچه گفته شد دولت اسلام هراس و شیعه ستیز آذربایجان درصد بهانه تراشی برای حبس طولانی مدت حاجی طالع بودند که در نهایت به طراحی حادثه نارداران پرداختند تا هم به دستگیری حاجی طالع و هم به سرکوب اعتقادات دینی مردم نارداران بپردازند.

۲-روستای نارداران

نارداران روستایی است بزرگ در ۲۵ کیلومتری شهر باکو که جمعیتی در حدود ۹۰۰۰ نفر دارد، نام این روستا در کل قفقاز مشهور است و دلیل آن اینکه مردان و زنان غیور و متدین این دیار چه در روزگار تزار روس و چه در دوران حاکمیت هفتادساله کمونیسم که دین ستیزی را شعار اصلی خود کرده بود، مقید به آداب و رسوم شرعی و رعایت حلال و حرام الهی بوده اند و در این راه ترس و ارباب و شکنجه را به جان خریدند ولی از آرمان ها و اعتقادات مذهبی خود دست نکشیده اند و بر این اساس همواره مورد بی لطفی حکومت ها قرار گرفته و از کمترین امکانات زندگی نیز محروم شده اند. مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مردم نارداران نخستین افرادی بودند که بر اساس علاقه ی درونی خود به زمره ی ارادتمندان امام راحل (ره) پیوستند و ناشر فرهنگ انقلاب اسلامی در آن دیار شدند که در این میان ابوذر قفقاز: مرحوم حاجی علی اکرام علی اف؛ رهبر سابق حزب اسلام آذربایجان نقشی ماندگار و فراموش ناشدنی به یادگار گذاشت.

پس از استقلال آذربایجان در سال ۱۹۷۱، گروهی از بزرگان این روستا و در رأس آن مرحوم حاجی علی اکرام به تأسیس حزب اسلام آذربایجان پرداختند که هدف از آن تحکیم مبانی دینی، نشر معارف اسلامی و مقابله با اقدامات ضد دینی بود که این مهم به مذاق صهیونیسم جهانی خوش نیامده و دستور تعطیلی حزب اسلام را به رییس جمهور وقت آذربایجان صادر کردند که به تبع آن مجوز این

حزب لغو و رهبران آن به حبس طولانی مدت دچار شدند.

پس از این حادثه تاکنون مردم این منطقه بارها دستگیر و به بهانه های واهی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، جوانان این منطقه از استخدام در ادارات و نهادهای دولتی محروم شدند و در برهه های مختلف از امکانات عمومی همانند برق، گاز و تلفن نیز محروم شده اند که نمونه عینی آن در حادثه اخیر اتفاق افتاده است.

۳- دولت آذربایجان

رؤسای جمهور آذربایجان پس از استقلال این کشور، کم و بیش میانه خوشی با دین و دینداری نداشته اند که اوج این بی میلی در دوران حکومت گذشته و حال مشاهده شد که به هرنحومکن با مبانی دینی، گروه های اسلامی و اماکن دینی مبارزه کرده اند که نمود عینی آن را در تخریب مساجد، توهین مطبوعات به پیامبر اکرم (ص) و مقدسات دینی، ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس دخترانه و... مشاهده شده است که همه این موارد به صورت مبسوط توسط اینجانب در کتاب جدیدالتشر «تقابل دین و سیاست در آذربایجان» مورد واکاوی قرار گرفته است و مختصر آن که تمام این اقدامات برخلاف اصول قانون اساسی این کشور است زیرا بر اساس اصل ۲۴ این قانون، تمام شهروندان از بدو تولد دارای حقوق و آزادی های محفوظ، انکار ناپذیر و محروم نشدنی هستند و یا بر اساس بند ۳ اصل ۲۵ قانون اساسی دولت موظف به برابری حقوق و آزادی های هر کس بدون توجه به عرق، ملیت، دین، زبان و جنسیت و... تضمین وضعیت زندگی شخصی و عقیده هر کس است

در ادامه این بند از ماده ۲۵ آمده است که: «محدود کردن حقوق و آزادی های انسان و شهروندان با توجه به نسبت های قومی، ملی، دینی، جنسی، عقیدتی سیاسی و اجتماعی ممنوع است» و در ماده ۴۷ قانون اساسی سه بند ذکر شده است:

بند۱- هرکس آزادی فکر و بیان دارد.

بند۲- هیچ کس را نمی توان به ابراز عقیده خود یا روی گردانی از فکر و اندیشه اش مجبور کرد.

بند ۳- به تبلیغات و تشویقاتی که سبب احیاء دشمنی و عداوت در سطح ملی، دینی و اجتماعی شود اجازه داده نخواهد شد.

برخلاف آن چه گفته شد حکومت فعلی ز شروع ریاست جمهوری خود در ۲۰۰۳ م تا کنون اقدام سازنده ای برای حل مشکلات داخلی و منطقه ای آذربایجان نکرده است و دولت او به جای حل مناقشه قره باغ کوهستانی و بازگرداندن بیش از یک میلیون آواره آذری به خانه و کاشانه شان، با پذیرش مخفیانه طرح ارائه شده از سوی گروه مینسک مبنی بر خودمختاری قره باغ، به تزییع حقوق مردم آذربایجان پرداخته است. همت اصلی بیش از یک دهه حاکمیت، تقویت هر چه بیشتر روابط با آمریکا و اسرائیل و وابستگی به صهیونیسم جهانی بوده است که به تبع آن شیعیان مظلوم این دیار با اقدامات متعدد ضد دینی مواجه شده اند و و نزدیک به شصت تن از چهره های برجسته فرهنگی، مذهبی و سیاسی آذربایجان به زندان های طولانی مدت که همراه با شکنجه جسمی و روحی بوده است محکوم شده اند. مروری بر این اقدامات ضد دینی و واکنش های صورت گرفته، که بخشی از حرکت اسلامی مردم متدین آذربایجان را به تصویر می کشد. اوج مظلومیت شیعیان آذری و عمق ولایتمداری شان را نمایان می سازد و این حقیقت را تثبیت می کند که دولت آذری همواره از رشد حرکت اسلامگرایی در آذربایجان واهمه داشته است و به انحای مختلف همانند اتهام رایج ارتباط با ایران به سرکوب آن پرداخته است در حالی که دین امری فطری است و هیچ کس را نمی توان با تهدید و ارباب از دین دور کرد.

بر اساس آنچه گفته شد پس از تجمعات باشکوه محرم امسال که با جمعیتی بی نظیر برگزار شد، دولت آذربایجان از شیعیان دچار واهمه شدو بر اساس آن به طراحی حادثه نارداران و شروع موج جدید اقدامات ضد شیعی پرداخت ولی زهی خیال باطل که دولتی که خود گرفتار صدها بحران اقتصادی و سیاسی بتواند این شیعیان از اهداف انقلابی خود بازدارد به قول حاجی ابگل سلیمان اف: نماد غیرت و صلابت که فرمود: «دولت آذری با ما چه خواهد کرد؟ ما را خواهد کشت، سلام بر مرگی که در راه خداست خوشا بر مرگی که به خاطر رضای حق است... اگر ما از زندانی شدن بترسیم، اگر ما از شهادت بترسیم پس عطر کرلا را احساس نکرده ایم، ما فرزندان مکتب حسین بن علی (ع) هستیم که با هفتاد دودوتن از یاران با وفایش در راه خدا به شهادت رسید...»

۴- شیخ الاسلام پاشازاده

بعد از معاهده ننگین گلستان و ترکمانچای و جدایی هفده شهر مسلمان نشین قفقاز از ایران، امپراطوری روس برای کاهش نفوذ مرجعیت شیعه و محدود کردن نهادها و امورات دینی در سال ۱۸۲۳م در زمان تزار آلکساندر اول برای رهبری مذهبی شیعیان در تفریس، وظیفه شیخ الاسلام و در سال ۱۸۳۲ م در زمان نیکولای اول برای رهبری مذهبی اهل سنت قفقاز وظیفه مفتی را تعیین کرد که این دو مقام تا کنون پابرجا هستند و بر اساس اصول حکومت وقت و در سمت و سوی آن حرکت کرده و بازوی دولت در مقابله با دین به شمار می آیند که مشی شان اجرای سیاست دولت مبتنی بر جدایی دین از سیاست، رعایت مختصر ظواهر دین برای فریب عوام و توجیه تراشی برای حجم عظیم اقدامات ضد دینی دولت ها است. دوازدهمین شیخ الاسلام قفقاز؛ الله شوکور پاشازاده است که در سال ۱۹۸۰ م به ریاست اداره مسلمانان قفقاز و مقام شیخ الاسلامی نایل آمده است. او از شروع کار تا کنون بچه در دوران قبل از استقلال آذربایجان و چه پس از استقلال همراه به جای دفاع از شیعیان، در تثبیت حکومت های مستبد دوران خود تلاش کرده است و شاهد سخن این که با حجم عظیم اقدامات ضد دینی حکومت، پاشازاده هیچ وقت روی در روی دولت نیایستاده و با سکوت از کنار قضایا گذشته است که نمونه عینی آن سکوت او پس از صدور قانون ممنوعیت حجاب در مدارس دخترانه و حبس طولانی مدت شصت نفر از برادران دینی و در رأس آن ها دکتر محسن صمداف، رهبر حزب اسلام آذربایجان است. پاشازاده با مشاهده اقدامات ضد شیعی حکومت که شامل اهانت به مقدسات، تخریب و تعطیلی مساجد، ممنوعیت پخش اذان از مساجد و ده ها مورد دیگر است نه تنها به تقبیح این امور نپرداخته بلکه با سکوت خود به این اقدامات صحه گذاشته است

پاشازاده در سفر به ایران خود را مقلد مقام معظم رهبری (مدظله) می خواند ولی در زمان اهانت رسانه ها و سران آذری به ایران و مسئولان عالی رتبه آن سکوت اختیار کرده و به صورت تلویحی به تأیید دولت آذری می پردازد که نمونه عینی آن در اهانت گروهی خود فروخته در بیست و دوم اردیبهشت ۹۱ به رهبر معظم انقلاب (مدظله)، رئیس جمهور وقت و پرچم ایران در برابر سفارت ایران در باکو مشاهده شد که معاون پاشازاده با حضور در این تجمع به تأیید آن پرداخت و خود او در جلسه شورای دینی علمی اداره مسلمانان قفقاز اظهارات اثمه جمعه و روحانیان برجسته ایران مغرضانه و افترا آمیز خواند. پاشازاده در دوران پس از استقلال بیش از مسلمانان با گروه های ضد اسلام همانند وهابیان ارتباط داشته است چنانکه قامت سلیمان اف: سردسته وهابیان سنتی آذربایجان روابط خود را با او صمیمی اعلام کرده و خود را از دوستان اومعزفی می کند. پاشازاده همچنین گاهی در کرسی فتوانشسته و به صدور احکام فقهی می پردازد چنان که امسال در خلال بازی های المپیک تابستانی در آذربایجان که رسوایی مالی و بحران اقتصادی آذربایجان را به همراه داشت، اجازه روزه خواری ورزشکاران آذری شرکت کننده در بازی های المپیک تابستانی را صادر کرد او همچنین در جریان اخیر نارداران که ۹۰۰۰ نفر شیعه مظلوم به جرم دینداری از تمام حقوق انسانی خود محروم شده اند به جای دفاع از این گروه به حمایت از دولت پرداخت و دو پلیس کشته شده را شهید نامید و به تبع آن اطرافیان او همانند شاهین حسنی که از نمک گیران شیخ هستند با اظهار نظر غیر منصفانه خود حاجی طالع و هواداران او را محکوم کردند

نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد رشد اسلامگرایی در آذربایجان سیر صعودی یافته است و مردم این دیار و به خصوص جوانان گرایش خاصی به دینداری یافته اند که نمونه عینی آن در ایام محرم امسال مشاهده شد که باعث ارباب دولت آذری شد و از طرف دیگر برگزاری بازی های المپیک تابستانی باعث بحران مالی برای دولت آذربایجان شد و دولت نیز به تبع آن به تعدیل کارمندان ادارات، کاهش حقوق کارمندان و اخراج بی دلیل گروه دیگر، افزایش قیمت اقلام ضروری و برق و گاز و تلفن و... پرداخته است که تمام موارد باعث انتقاد آشکار مردم از دولت شده است که حکومت با طراحی حادثه نارداران و ایجاد رب و وحشت در صدد آن است که هم مانع رشد تشیع در آذربایجان گردد و هم به منتقدان خود ضرب شستی نشان دهد که از مواضع خود عقب نشینی کنند و گرنه دچار سرنوشت مردم نارداران خواهند شد ولی حقیقت آن است که حکومت حاضر که نه اقتدار و نه هیبت دولت های قبلی را دارد و خود گرفتار بحران های مختلف است توان مقابله با مردم را نخواهد داشت و در صورت ادامه اقدامات ضد دینی و انسانی خود گرفتار سرنوشتی خواهد شد که مستکبران جهان عرب با آن مواجه شدند.

